

کشاورزی در معرض فراموشی

ارزیابی دکتر بهاءالدین نجفی، استاد دانشگاه علوم کشاورزی دانشگاه شیراز و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»



کشاورزی پایدار و نظارت بر اجرای آنها ضروری است.

تقویت انگیزه تولید

آخرین موضوع و نه کم اهمیت ترین آن، موضوع ایجاد انگیزه برای تولید کنندگان محصولات کشاورزی است. ایجاد انگیزه بیش از آن که به سیاست‌های کشاورزی مربوط شود به سیاست‌های اقتصاد کلان مربوط است. سیاست‌های حمایت از صنعت، تعرفه‌های بازرگانی، سیاست‌های پولی و ارزی از جمله سیاست‌هایی هستند که اگر چه خارج از حیطه وظایف بخش کشاورزی قرار دارند، ولی بر انگیزه تولید کنندگان محصولات کشاورزی اثر می‌گذارد. سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده در ایران، در بیشتر موارد به زیان بخش کشاورزی بوده و روند نرخ مبادله را به زیان این بخش تغییر داده‌اند و در نهایت بر انگیزه تولید اثر منفی داشته‌اند. کاهش ناگهانی تعرفه برخی محصولات کشاورزی - همان گونه که در مورد شکر اتفاق افتاد - آثار زیانباری بر اقتصاد کشاورزی گذارده است. عدم انضباط مالی و سیاست‌های پولی که منجر به افزایش نقدینگی و در نتیجه نرخ تورم گردیده، سبب افزایش هزینه‌های تولید محصولات کشاورزی شده است. از سوی دیگر، سیاست پایین نگه داشتن نرخ ارز موجب کاهش قدرت رقابتی محصولات کشاورزی داخلی با محصولات وارداتی گردیده که این امر در غیاب سیاست‌های تعرفه‌ای متوازن، سبب افزایش واردات و کاهش توان صادراتی محصولات کشاورزی شده است. در چنین شرایطی، تجدید نظر در این سیاست‌ها و بهبود رابطه مبادله‌ای محصولات کشاورزی می‌تواند موجب تقویت انگیزه تولید محصولات کشاورزی شود.

در مورد تقویت انگیزه تولید، علاوه بر سیاست‌های برون بخشی، سیاست‌های درون بخشی هم مؤثر هستند. تولید کننده محصولات کشاورزی به قیمت منصفانه، بازار مطمئن و ثبات درآمد نیاز دارد. همچنین لازم است سیاست قیمت گذاری محصولات کشاورزی منطقی شود. در این مورد، برای محصولات اساسی مانند گندم و برنج و همچنین محصولاتی که با کمپایی شدید و نیاز به واردات مواجه هستند، (مانند دانه‌های روغنی) باید قیمت کف بر مبنای میانگین هزینه متوسط تولید تعیین گردد. در رابطه با

موضوع امنیت غذایی در جهان، به ویژه از سال ۱۹۹۴ در کنفرانس بین‌المللی غذا - که تأمین غذای کافی و سالم را برای همه افراد جامعه از وظایف دولت‌ها قرار داده - از اهمیت زیادی برخوردار شده است. این موضوع، به خصوص در کشورهای در حال توسعه که با مسأله سوء تغذیه و گرسنگی دست به گریبانند، مشهود است. اکنون در بسیاری از کشورها، برنامه یارانه عمومی غذا جای خود را به یارانه هدفمند غذا داده است. در این رابطه در برخی کشورها مانند آمریکا به لحاظ ایجاد هماهنگی میان تولید و مصرف غذا، این برنامه جزئی از وظایف وزارت کشاورزی است. افزون بر این، وظیفه وزارت کشاورزی در بسیاری از کشورها نه تنها سیاست گذاری به منظور تولید غذای لازم برای تأمین مصرف داخلی است، بلکه تدوین مقرراتی در جهت تضمین سلامت غذای تولیدی نیز می‌باشد. در این زمینه، بیشتر کشورهای مقرر به سلامت غذا را که "تحلیل خطر و نقطه کنترل حیاتی" نامیده می‌شود، به عنوان مبنایی برای کنترل سلامت غذا پذیرفته‌اند. در ایران، تولید کنندگان انگیزه‌های بازاری کافی برای رعایت استانداردهای سلامت غذا ندارند. در این شرایط بسیاری از فعالیت‌های مربوط به سلامت غذا به عنوان "کارایی عمومی" محسوب شده و لذا دخالت دولت برای اعمال نظارت، صدور گواهی سلامت و سرمایه گذاری در امور زیربنایی لازم برای سلامت غذا ضروری است. در این میان، ایجاد روش کنترل "مزرعه تا سفره" مواد غذایی، به منظور جلوگیری از تهدید سلامت غذا در همه مراحل زنجیره عرضه غذا از مرحله تولید، فرآوری، بازاریابی تا خرده فروشی لازم است.

کشاورزی پایدار

بهره برداری بی‌رویه از زمین و منابع طبیعی، فرسایش خاک، آلودگی آب و خاک در نتیجه زیاده‌روی در استفاده از مواد شیمیایی، پایین رفتن سفره‌های آب زیرزمینی، بیابان زدایی، قطع درختان جنگل‌ها و نابودی مراتع، کشاورزی پایدار را به یکی از موضوعات حیاتی در سیاست کشاورزی کشورها تبدیل کرده است. به علاوه، تغییرات جوی ناشی از گرم شدن کره زمین بر اهمیت موضوع افزوده و از این رو، در ساختار سازمانی وزارت کشاورزی بسیاری از کشورها، بخش خاصی مسئول اتخاذ تدابیری به منظور مقابله با آثار این پدیده و تدوین سیاست‌ها و مقرراتی در جهت هدایت تولید کنندگان کشاورزی به سوی کشاورزی پایدار شده است. در ایران، متأسفانه تاکنون افزایش تولید، مقدم بر کشاورزی پایدار بوده، اما بی‌شک ایجاد نهادهای در وزارت جهاد کشاورزی به منظور تدوین مقررات مربوط به

گندم بایستی با آزاد سازی بازار گندم، آرد و نان همگام با هدفمندی یارانه نان، محدودیت‌های صادراتی موجود را از میان برداشت. همچنین دولت می‌تواند برای ایجاد تعادل در بازار محصولات اساسی مانند گندم و برنج، نسبت به خرید و ذخیره سازی ۵ تا ۱۰ درصد میزان محصول در فصل برداشت اقدام نموده و به تدریج آن را در طول سال به بازار تزریق نماید. در رابطه با محصولاتی مانند شکر که اختلاف قیمت داخلی و جهانی آن قابل ملاحظه است، دولت باید تعرفه‌های وارداتی را در سطحی نگه دارد که ضمن رفع کمبودهای داخلی، انگیزه تولید آن در داخل حفظ شود.

علاوه بر موارد فوق، در زمینه بازاریابی محصولات کشاورزی، باید نظام بازاریابی به گونه‌ای اصلاح گردد که سهم مناسبی از افزایش قیمت مصرف کننده به تولید کننده منتقل شود و نه آن که در طول مسیر بازاریابی از میان برود. در این مسیر، تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که شرکت‌های تعاونی روستایی می‌توانند با حمایت دولت به صورتی گسترده وارد بازاریابی محصولات کشاورزی شده و با انجام خدماتی چون فروش، بسته‌بندی و تبدیل محصولات کشاورزی، موجبات افزایش درآمد تولید کنندگان را فراهم سازند. بررسی برنامه خرید توافقی محصولات کشاورزی از سوی شرکت‌های تعاونی نشان می‌دهد که آنان با مشکلاتی چون کمبود منابع مالی برای خرید محصولات، کمبود پرسنل آموزش دیده در زمینه بازاریابی و عدم استقلال در خرید و فروش محصولات کشاورزی روبه‌رو هستند. با انجام اصلاحات ساختاری در شرکت‌های تعاونی روستایی و برنامه خرید توافقی و رقابتی کردن بازار محصولات کشاورزی، می‌توان دستیابی تولید کنندگان را به قیمت منصفانه و بازار مطمئن میسر نمود.

با توجه به این که تولید محصولات کشاورزی با عدم اطمینان‌های جوی و قیمتی روبه‌رو است، مدیریت ریسک از طریق بیمه محصولات کشاورزی دارای اهمیت اساسی است. البته اگر چه بیمه محصولات کشاورزی در سال‌های اخیر بر حسب تعداد محصولات زبر پوشش گسترش یافته، اما دامنه و تنوع خدمات آن نیاز به توسعه بیشتری دارد. در شرایط کنونی، طراحی بیمه، به طور عمده در جهت مقابله با عدم اطمینان‌های جوی صورت گرفته است، در حالی که برای مقابله با عدم اطمینان‌های اقتصادی که از نوسانات قیمت بازار ناشی می‌شوند، ایجاد بیمه درآمدی می‌تواند به ثبات درآمدی تولید کنندگان محصولات کشاورزی بی‌انجام. ■